فرهیختگان

@farhikhtegandaily

WWW.FDN.IR

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - مدیرمسئول: محمدامین ایمانجانی - سردبیر: مسعود فروغی
دفتر مدیرمسئول: ۶۶۳۴۸۰۱۶ تحریریه: ۱۸۲-۶۶۷۶۰۱۸۰ - فکس: ۶۶۷۶۰۵۰۱-۶۶۷۲۶۰۴۷
روابط عمومی: ۶۶۷۶۰۴۹۹ - سازمان آگهی‌ها: ۱۸ و ۶۶۳۴۸۰۴۶
چاپ: چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی - توزیع فرهیختگان: ۱۲-۶۶۳۴۸۰۱۱
نشانی: خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری، روبه‌روی ساختمان بورس، ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم

چرا باران در جنوب ایران ترسناک شده است؟

سیل بی‌تدبیری در خوزستان مانع اقدامات ریشه‌ای

ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

تاریخ را هم که بخوانیم، مثلا چند صدسال تا چند هزارسال پیش، منطقه‌ای که ایران در آن واقع شده است از لحاظ بلاخیزی طبیعی موقعیت خاص و پرمخاطره‌ای دارد. سوای آن، به تجربیات اخیر هم که رجوع کنیم، وضعیت به همین منوال است. خیلی لازم نیست راه دوری برویم، همین دو، سه سال اخیر بارها اخبار مربوط به سیل و زلزله در اقصی نقاط ایران منتشر شده و حوادث تلخ و پرتلفاتی را از سر گذرانده‌ایم. هم تلفات و خسارات جانی و هم خسارات مادی. منتها در چنین شرایطی و با توجه به علم موجود از وضعیت جغرافیایی و اقلیمی چیزی که بیش از همه تامل و البته تاسف برانگیز است، تکرار این حوادث، هرسال، در همان مناطق و با همان شکل و شمایل و همان میزان خسارت و مضرات، ولو بیشتر است. طبیعی ماجرا این است که وقتی جایی نقصانی وجود دارد، کسی که مسئولیت دارد برای رفع آن کاستی گام برمی‌دارد تا حداقل اگر دوباره شرایط بحرانی ایجاد و واقعه‌ای حادث شد، میزان خسارات و بلای ایجادشده را کاهش دهد.

منتها در ایران چنین رویه‌ای را نمی‌بینیم. یا اگر بی‌انصافی نکنیم، در بخش‌هایی از کشور چنین رویه و مساله‌ای وجود ندارد. مثالش همین خوزستان پرغصه که دست روی هر مساله‌ای می‌گذاریم از بدی‌ها و مشکلات و کاستی‌ها، حتما نامش وجود دارد. سال‌های سال است همه می‌گویند احتمال سیلاب در خوزستان بالاست، هم به‌خاطر بارندگی، هم به‌خاطر نزدیکی به دریا، هم به خاطر شیب کم زمین‌ها و هم به‌خاطر وجود رودخانه‌های بزرگ و سدهای عظیم. منتها در چنین شرایطی و با آگاهی از این وضعیت، این استان با این عظمت، این اهمیت و این جایگاهی که همه می‌دانیم، هنوز سیستم انتقال آب‌های سطحی ندارد. یعنی باران، به محض شدید شدن در خوزستان، منجر به وقوع سیلاب می‌شود، معابر دچار آبگرفتگی می‌شوند و خانه‌های مردم را آب می‌گیرد. تازه این آب، با فاضلاب پس‌زده از سیستم فاضلاب فرسوده و ناکارآمد مخلوط شده و جهنمی را ایجاد می‌کند که وصفش را نمی‌شود از چندین کیلومتر این طرف‌تر و در تهران پر از نعمت و رسیدگی نوشت. بررسی مدیریت ناکارآمد و اطلاع از اخبار آینده آب و هوایی و امکان ادامه‌دار بودن بارش‌ها مساله‌ای است که در این خطوط به دنبال یافتن پاسخی برای آن هستیم.

هواشناسی

تا ۱۰ روز آینده بارش قابل‌ملاحظه‌ای نداریم / مسئولیت هواشناسی فقط هشدار و پیش‌بینی است نه اقدام / مدل شهرسازی‌های ما علمی و اصولی نیست / بافت طبیعت را برهم زده‌ایم و باعث خشونت آن شده‌ایم

برای تحلیل وضعیت موجود و تکرار مصائب هرساله ناشی از شرایط طبیعی و آب‌وهوایی که بخش زیادی از آن خروجی مدیریت ضعیف و عدم‌رسیدگی و همت مسئولان در سطوح مختلف ملی و استانی است از سه منظر به بحث می‌پردازیم. ورودیه بحث تحلیل آب و هوایی و پاسخ به این سوال که اولا این وضعیت آب و هوایی در کشور چقدر تداوم خواهد داشت و ثانیا اینکه نقش سازمان هواشناسی در اعلام وضعیت خطر و سامان بخشیدن به این بلبشوی مدیریتی در کشور حین مواجهه با نزولات آسمانی چیست؟ در همین رابطه احد وظیفه، رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی به «فرهیختگان» گفت: «براساس اطلاعات در ۱۰ روز آینده بارش قابل‌ملاحظه‌ای نخواهیم داشت. بارش‌ها عبور کرده است و در دو هفته آینده به‌طور نسبی کم‌بارشی را خواهیم داشت. اواخر هفته بعد موجی از جنوب غرب وارد می‌شود که شاید بارش بدهد. در ارتباط با سیلاب‌های مکرر در کشور و مشکلاتی که برای مردم ایجاد می‌شود به‌عنوان کارشناس می‌توانم بگویم جو یک سری تغییرات دارد که ۱۰۰ درصد قابل پیش‌بینی نیست. فرض کنید بارندگی ۵۰ میلیمتر را پیش‌بینی می‌کنید ولی ۷۰ میلیمتر می‌بارد. این را دقیق نمی‌توانید پیش‌بینی کنید ولی سازمان هواشناسی هشدارهای لازم را اعلام می‌کند. در رسانه‌ها هر یکی، دو هفته یک‌بار وضعیت زرد و قرمز و نارنجی برای استان‌ها اعلام و حجم بارش‌ها پیش‌بینی می‌شود ولی وقتی باران به زمین می‌رسد تعامل باران و زمین چیز دیگری می‌شود. می‌گوییم احتمال سیل و بارندگی وجود دارد و به‌خاطر شدت بارش بیان می‌کنیم ولی این امر در جاهای مختلف رفتارهای متفاوتی می‌تواند داشته باشد. در یک حوزه به محض اینکه باران شدیدی می‌آید ناگهان تبدیل به سیل می‌شود و در جای دیگر نه! اکثر تلفاتی که در استان‌ها داریم به‌دلیل عدم‌آموزش است. اینکه اصلا تلفات نداشته باشیم امکانپذیر نیست. حوادث طبیعی عموما تلفات خود را می‌گیرد ولی تلاش باید بر این باشد که تلفات به حداقل برسد و هوشیاری خود را به‌صورت فصلی حفظ کنیم. الان اعلام شده بارش برف در شمال غرب کشور خواهیم داشت، طبیعی است اگر فردی در این شرایط به جاده برود کسی جلوگیری نمی‌کند و گرفتار می‌شود. حادثه‌ای ایجاد می‌شود و این به حساب طبیعت گذاشته می‌شود. حادثه تک‌بعدی نیست، عوامل مختلفی در آن دخیل هستند. سیستم طبیعی بارش وجود دارد، شدت بارش زیاد است و حجم رودخانه افزایش می‌یابد و رفتار ما هم موثر است، اگر بی‌ملاحظه رفتار کنیم حوادث مختلف ممکن است رخ دهد. همانند فردی که در این شرایط کرونایی ماسک استفاده نمی‌کند. حادثه سیل و آتش‌سوزی و... در تمام دنیا در همین سال اتفاق افتاده است، در حالی که این کشورها توسعه‌یافته هستند و فرهنگ عمومی مردم از این لحاظ بالاست. در کشور ما هم این حوادث وجود دارد. در مورد بلایای طبیعی سازمان هواشناسی مسئولیت دارد که هشدار بدهد و پیش‌بینی کند ولی مسئول اقدام دیگری نیست. در زمینه هشدار مسئول اول سازمان هواشناسی است که بیشترین حجم اطلاعات را در اختیار مسئولان قرار دهد ولی زمانی به‌طور مثال پیش‌بینی می‌کنید زلزله می‌آید. اگر در زمان زلزله هوشیار باشیم، به خیابان می‌رویم و می‌توانیم جان خود را نجات دهیم ولی نمی‌توانیم برای جلوگیری از خرابی خانه کاری کنیم. به هر حال ساختمان می‌ریزد. در سیل هم همین‌طور است. وقتی شدت باران از یک حدی زیادتر است علی‌رغم اینکه هشدار دادید و مردم آگاه شدند، حجم بارندگی به حدی است که یک‌سری خرابی ایجاد می‌کند، با وجود هشدارهایی که قبل‌تر وجود داشته است. شهرسازی نامتوازن، جدول‌بندی خیابان‌ها، زهکشی خیابان‌ها و خروجی آب محاسبه نشده است، کانال‌ها عرض درست ندارند. این عوامل باعث می‌شود در مکان‌هایی که شیب زمین کم است به‌خصوص خوزستان این مشکلات ایجاد شود. در آق‌قلا هم به همین صورت بود، وقتی بارندگی شد آب‌ها راه خروجی نداشتند. درنتیجه آبگرفتگی شد. سالیان سال خوزستان و شهرهای مختلف آن رشد جمعیت داشته و متاسفانه به سیستم فاضلاب و دفع آب‌های سطحی به اندازه‌ای که باید بدان بها می‌دادیم و سرمایه‌گذاری می‌کردیم و روش‌های امروزی را در توسعه به کار می‌گرفتند توجه نشده است. قدری قبول کنیم توسعه‌های شهرهای ما متوازن نیست، یعنی خیلی علمی و اصولی نیست. درنتیجه ساختمان‌هایی با کمترین مقاومت ساخته‌ایم، به‌خصوص در مکان‌هایی که درآمد کم است. خیلی از جاها به حریم رودخانه‌ها تجاوز می‌شود. در شیب کوه‌ها به جای اینکه زهکشی کنیم و آب را به‌نوعی نگه داریم و اجازه ندهیم روان آب شود، با جاده‌کشی و... به این امر دامن می‌زنیم. در ارتفاعات شمال تهران تا قله توچال که بلندترین قله مشرف به تهران است، جاده کشیده شده است. این به‌هم‌زدن بافت طبیعی خاک و شیب زیاد مشکل‌ساز است و معبر سیل می‌شود. باران هم می‌آید و خاکی که به‌هم خورده و ریشه گیاهی در آن وجود ندارد مستعد شسته شدن توسط باران است به‌خصوص زمانی که بارندگی شدید می‌شود.»

زیست محیطی

بانک جهانی برای ساخت شبکه انتقال آب‌های سطحی در اهواز ۱۰۰ میلیون دلار وام بلاعوض داده است، این پول صرف چه چیزی شد؟ / سدسازی برای جلوگیری از سیلاب یک دروغ بزرگ است! / تهران نمونه خوب یک شهر با شبکه انتقال آب‌های سطحی / شهرهای ما که بدتر از ونیز نیستند، چرا ونیز زیر آب نمی‌رود و ما هرسال زیر آبیم؟ / شیب مناطق مختلف خوزستان را به‌دلیل ساخت‌وسازهای نابخردانه به‌هم زدیم و حالا به مشکل خوردیم

محمد درویش، فعال و پژوهشگر محیط‌زیست در ارتباط با ضعف جدی مدیریت در مسائل مختلف ازجمله مسائل زیست‌محیطی و تکرار کاستی‌ها و خرابی‌های طی سالیان متمادی بدون کوچک‌ترین اقدامی در جهت مرتفع کردن آن به «فرهیختگان» گفت: «در کل ویژگی سرزمین‌هایی همانند ایران که در مناطق خشک قرار دارند این است که پیوسته با پدیده‌ای به نام سیل و خشکسالی در ارتباط هستند پس همیشه این وضعیت را داشتیم. در ۲۵۰۰ سالی که تاریخ مکتوب داریم همواره مورخان و آثاری که وجود دارد این است که مردم از سیل و خشکسالی آسیب دیده‌اند. این در همه سرزمین‌ها وجود دارد و ادامه خواهد داشت. کاری که می‌توان کرد این است که برمبنای این کشور و مردم، مبلمان شهری را اداره کنیم. مثلا در اهواز سال‌ها صحبت این می‌شود که شبکه دقیق و درست جمع‌آوری آب‌های سطحی داشته باشیم. اما نتوانستند این شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی را با وجود اینکه ۱۰۰ میلیون دلار از طریق بانک جهانی وام بلاعوض داده شد بسازند. سازمان بازرسی کل کشور باید بازخواست کند که چرا با این مقدار پول نتوانستند کاری کنند؟ دلیلش را من می‌دانم و نمی‌توانم بیان کنم. این گرفتاری‌ای است که همواره درگیر آن هستیم. به‌جای اینکه کار را به‌دست کارآمد بدهیم، به‌دست کسانی می‌دهیم که رفاقت و برادری آنها به ما ثابت شده است. تمام شهرهای خوزستان اعم از ماهشهر، اهواز، شادگان و... همواره درگیر این سیلاب‌ها بوده‌اند ولی اگر شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی و یک شبکه فاضلاب و یک شبکه تصفیه‌خانه داشته باشیم، این سیل‌ها نه‌تنها مصیبت نیستند بلکه می‌توانند تبدیل به آب باکیفیت شوند برای اینکه انتقال به نخلستان‌ها پیدا کنند و نخلستان‌های ما که متاسفانه به‌دلیل افت کمی آب در کارون در مواقع مد و آب شور خلیج فارس که وارد آن می‌شود، از آب شیرین باران برخوردار شوند و مشکل آنها هم حل شود. یعنی راحت می‌توانیم این چالش را به جای اینکه تبدیل به تهدید شود تبدیل به فرصت کنیم. در کل جلگه خوزستان چرا جلگه است و حاصلخیزترین جلگه ایران است؟ چون میلیون‌ها سال متاثر از جریان‌های سیلابی کارون و کرخه و زهره و بهمنشیر است. این سیلاب‌ها باعث می‌شود مواد غذایی حاصلخیز از بالادست کوهستان‌های زاگرس بیاید و وارد دشت هموار شود و بتوانیم در اینجا کشاورزی کنیم و کشاورزی خوزستان هم همواره اولین کشاورزی کشور از نظر حجم تولید بوده است. دوستان ما در وزارت نیرو می‌گویند اینها نشان‌دهنده این است که سد به اندازه کافی نداریم. اگر در بالادست سد می‌زدیم آن وقت آب در شهرها نمی‌آمد. پس باید کیسه راشل کنید و ما چند سد دیگر بسازیم. همین الان بیش از نیمی از سدهایی که ساخته‌اند، خالی است. نیمی از سدهایی که در شمال خوزستان ساخته‌اند، خالی است. پس این دروغی بزرگ است که می‌گویند اگر سدهای بیشتری می‌ساختیم، می‌توانستیم جلوی این جریان سیلابی را بگیریم. متاسفانه چون اغلب مدیران ما هم اشراف به موضوع ندارند با عددورقم‌سازی‌ها گول می‌خورند و مجوز برای ساخت سدهای بیشتر می‌دهند. سیلی را که سال ۶۶-۶۵ در تهران آمد به یاد ندارید. بعد از آن سیل تهران که خسارت‌های سنگینی ایجاد شد و چندین کشته داشتیم و سنگ‌های بزرگی به تجریش آمد، طرحی ایجاد شد که شبکه مهار آب‌های سطحی در تهران شکل بگیرد که قسمت‌های آخر آن زمان قالیباف تمام شد و اگر بزرگراه‌های غربی-شرقی تهران را ببینید، وسط آنها این شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی را دارد. سال گذشته میزان ریزش‌های آسمانی ما در تهران بیش از ۶۰ درصد بیشتر از میانگین ۵۱ ساله بود. واقعا سیل‌هایی که در خوزستان و لرستان اتفاق افتاد در تهران اتفاق نیفتاد. من به یاد دارم در سال ۶۶ میزان بارندگی کمتر از سال ۹۸ بود ولی سیل وحشتناکی راه افتاد. باید قضاوت درستی کنیم، جایی که توانستیم شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی و فاضلاب خوب داشته باشیم قادر شدیم این مساله را مدیریت کنیم و در تهران این امر مدیریت شد. سال گذشته با اینکه بارندگی در تهران زیاد بود، هیچ فاجعه‌ای مثل آن چیزی که در سال ۶۶ داشتیم راشاهد نبودیم، البته آبگرفتگی همیشه بوده و هست. در اغلب شهرهای ایتالیا آبگرفتگی‌های بزرگی اتفاق می‌افتد. یعنی در اتحادیه اروپا این امر وجود دارد ولی اینکه خسارت وارد کند و تداوم داشته باشد و تکرار داشته باشد، وجود ندارد چون مساله را حل می‌کنند. این اتفاق مثال خوبی است که چرا در تهران خسارت‌های سال ۶۶ را شاهد نیستیم؟ چون شبکه درست جمع‌آوری آب‌های سطحی و فاضلاب در آن شکل گرفته، با اینکه هنوز ۱۰ درصد از کار مانده ولی توانسته از خیلی خسارت‌ها جلوگیری کند. ساخت‌وسازهای بالاتر از ارتفاع سه‌هزار و ۸۰۰ متر البته خطرآفرین و مشکل‌ساز است و حتما باید شهرداری با قدرت بیشتر جلوی این دخل و تصرف‌ها را که اکثرا توسط نهادهای حاکمیتی و دولتی اتفاق می‌افتد، بگیرد. من وشما به‌عنوان شهروندان عادی نمی‌توانیم بالای سه‌هزار و ۸۰۰ متر خانه‌سازی کنیم. همه برای نهادهاست. باید جلوی آنها را گرفت تا این خطر زیاد نشود ولی الحق این شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی در تهران توانسته خطر را کاهش دهد، به‌خصوص که در مجاورت یک کوهستان به ارتفاع چهارهزار متر هستیم که می‌تواند پتانسیل سیل خیزی زیادی داشته باشد. چرا هر سال در بوشهر در اثر سیل خسارت می‌خوریم و هموطنان ما کشته می‌شوند؟ بوشهر نوار باریکی است که به کوهستان ملحق می‌شود. چون نسبت کوهستان به دشت در استان بوشهر کم است و حجم بزرگی از کوهستان تاشیراز می‌رود، درنتیجه حجم بزرگی از سیل که در کوهستان تولید می‌شود یک باره وقتی وارد دشت می‌شود و می‌تواند سیلاب بزرگی را به‌صورت طبیعی ایجاد کند. استان بوشهر ماسیل خیز است و این را از قدیم همه محلی‌ها و قدیمی‌ها می‌دانند که این‌طور است، بنابراین باید چه کار کنیم؟ باید برمبنای این واقعیت طراحی‌های خود را انجام دهیم؛ هرچند بدتر از ونیز نیست. چرا ونیز زیر آب نمی‌رود؟ ما همواره زیر آب می‌رویم. اگر در مهندسی و طراحی مبلمان شهری این امر را رعایت کنیم می‌توانیم به‌راحتی شبکه سیلابی را جذب کرده و وارد بهبود پوشش گیاهی کنیم. ما در بوشهر ده‌ها هکتار حرا کاشته‌ایم که به‌دلیل نبود آب شیرین و با کیفیت خشک می‌شود اما به‌راحتی می‌توانیم این سیلاب‌ها را به سمت حراکاری‌ها هدایت کنیم ولی این کار را نمی‌کنیم. سیلاب همه چیز را از بین می‌برد. یک‌سری جاده‌ها و پل‌های غیراصولی ساخته‌ایم که همه همانند سد طبیعی عمل می‌کنند و جلوی حرکت‌های جریان‌های سیلابی را گرفته است؛ آن موقع برای کسی مهم نبود که این جاده روی اصول و تراز اکولوژیک حرکت می‌کند یا خیر. همان بلایی که بر سر حورالعظیم آوردیم. در کجای دنیا در تالاب پنج حوضچه درست می‌کنند؟ دیوارکشی و جاده‌کشی می‌کنند؟ ماهیت طبیعی تالاب را از بین می‌برید. الان در دشت خوزستان به اندازه‌ای جاده‌های بدون استاندارد و بدون کیفیت ساخته‌اند که این جاده یکی از عوامل پس‌زدن آب است. چرا می‌گویند درست کردن شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی در اهواز و اطراف آن سخت است؟ چون شیب منطقه را به‌دلیل ساخت‌وسازهای نابخردانه به‌هم زده‌ایم.

حقوقی

شرایط موجود در برخی استان‌ها از مصادیق بارز بی‌احتیاطی و تقصیر مدیران و مسئولان مربوطه است / چنانچه بر اثر تقصیر، بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی جنایتی واقع شود، یعنی شخصی فوت کند این امر می‌تواند از مصادیق قتل شبه‌عمد باشد / باید شاهد مجازات و پیگیری امر از سوی دستگاه قضایی باشیم

قطعی این است که سوای وجوه زیست‌محیطی، تکرار این اتفاقات و تضییع حقوق مردم ذیل بی‌کفایتی و بی‌مسئولیتی مسئولان و متولیان امری است که می‌توان آن را ذیل حقوق عامه مطالبه و بررسی کرد. در همین رابطه رسول کوهپایه‌زاده، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خاطرنشان کرد: «متاسفانه هرساله شاهد بروز خسارات سنگین و جبران ناپذیر مالی و جانی در ارتباط با حوادث و بلایای طبیعی در کشور به‌خصوص در منطقه خوزستان هستیم و اخیرا بحث سیلاب‌های شدید خسارات سنگینی را به مردم این خطه تحمیل کرده است. از نقطه‌نظر حقوقی و بررسی مسئولیت مدیران و مسئولان دولتی و استانی در ارتباط با بروز این حوادث و خسارت‌های ناشی از آن موارد و نکاتی قابل بررسی و تامل به‌منظور آسیب‌شناسی، اعمال قاطعانه قانون و جلوگیری از تکرار این بی‌مسئولیتی‌ها و بی‌تدبیری‌ها است. نکته‌ای که وجود دارد این است که مسئولان مربوطه به‌خصوص مدیران منطقه و استان اعلام می‌کنند این موارد شامل حوادث غیرمترقبه و غیرقابل پیش‌بینی است، درحالی که اساسا بنیاد این دفاع از وضعیت پیش‌آمده اشتباه و برخلاف موازین حقوقی است. زمانی می‌توانیم به سیلاب‌ها و حوادثی از این دست عنوان غیرمترقبه و غیرقابل پیش‌بینی اطلاق کنیم که حقیقتا این موارد دور از پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل کنترل باشند. همان‌طور که مستحضر هستید، هرساله شاهد بروز حوادثی از این دست و به‌خصوص بحث سیل و سیلاب در این منطقه هستیم. پس نمی‌توان گفت این حوادث غیرقابل پیش‌بینی و غیرمترقبه هستند، بلکه کاملا قابل انتظار و قابل پیش‌بینی بوده و بر این اساس باید قابل کنترل باشند. بی‌تدبیری و بی‌کفایتی و بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی مسئولان امر در این خصوص و عدم انجام اقدامات پیشگیرانه قبلی از جمله بحث سیل‌بندها، عدم حفاظت از جنگل و مراتع، عدم کانال‌کشی مناسب و هدایت آب، موضوع مقاوم‌سازی، بهسازی، عدم ساخت سدها و عدم اعمال بیمه مربوطه در این خصوص از مصادیق بارز بی‌احتیاطی و تقصیر مدیران و مسئولان مربوطه در این خصوص است. براساس قوانین و مقررات به‌نظر می‌رسد در خصوص وزارت نیرو، اداره آب و شهرداری و مسئولان مدیریتی استان از جمله استانداری که مسئول نظارت بر نهادهای مربوطه هستند، تخلف و کوتاهی و قصور از این حیث محرز است. چنانچه حادثه‌ای منجر به ضرب و جرح، مرگ یا ورود ضرر و زیان و خسارات به اشخاص و مردم باشد، حسب مورد موجب مسئولیت مدنی و لزوم تعیین خسارت و جبران آن یا مسئولیت کیفری از باب بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی و رعایت نکردن ضوابط دولتی را برای مسئولان و مدیران مربوطه به‌همراه خواهد داشت. براساس بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری مسئولیت اتخاذ تدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق برعهده شهرداری است. همینطور براساس قانون ۱۱ مسئولیت مدنی کارمندان دولت و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا درنتیجه بی‌احتیاطی خساراتی را به اشخاص وارد کنند، مسئول جبران خسارات وارده هستند. بند پ ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی هم عنوان داشته چنانچه بر اثر تقصیر، بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی جنایتی واقع شود، یعنی شخصی فوت کند، این امر می‌تواند از مصادیق قتل شبه‌عمد باشد. آنچه مشخص است، منطقه‌ای که درباره آن صحبت می‌کنیم، کانون حادثه و بلا است و به‌خصوص موضوع سیلاب هرساله در این منطقه اتفاق می‌افتد، اما متاسفانه پیش‌بینی و پیشگیری لازم و اتخاذ تدابیر و تمهیدات مربوطه جهت به حداقل رساندن آسیب‌ها از سوی مسئولان امر در این خصوص مشاهده نمی‌شود که این امر مصداق بارز بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و تقصیر مورد نظر قانونگذار است. براساس قوانین و مقررات موضوعه دادستان کل کشور و دادستان‌های مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها به‌عنوان مدعی‌العموم جهت صیانت از منافع عمومی و حقوق عامه در راستای اصل ۱۵۶ قانون اساسی و نیز احکام مقرر در ماده‌های ۲۲، ۲۷، ۶۴ و ۲۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در واقع وظیفه تعقیب و مجازات خاطیان و متخلفان و مجرمانی را دارند که در وقوع این خسارات و ایراد صدمه‌های سنگین مالی و جانی به اشخاص و مردم مسئول و مقصر و در واقع پاسخگو باشند. همچنین براساس تبصره ۲ ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی افراد یا دستگاه‌هایی که مسئولیت اصلاح یا رفع آثار حوادث و بلایای طبیعی را دارند، درصورت تقصیر یا قصور قابل استناد در انجام وظیفه ضامن هستند؛ یعنی حداقل در صورت فوت یا ضربات جانی مسئول پرداخت دیه هستند. درصورت بروز خسارات مادی هم براساس مسئولیت مدنی باید کلیه خسارات و هزینه‌های وارده را جبران کنند. صرف‌نظر از قوانین و مقررات موضوعه در این امر براساس قواعد حقوق عمومی و نظریه‌هایی ازجمله نظریه مصلحت عمومی یا نظریه تضمین مشروعیت درصورت بروز حادثه دولت موظف به حفظ امنیت و آرامش و جبران خسارات وارده است. اساسا دولت باید به دنبال خیر عمومی باشد و منفعت مردم را در اولویت نخست قرار دهد. اصول متعددی از قانون اساسی ازجمله اصل ۲۸، ۴۰، ۶۷، ۱۱۲، ۱۶۴ و ۱۷۵ مضامین و مفاهیمی ازجمله مصلحت جامعه، مصلحت عمومی و منافع ملی و منافع عمومی را مورد توجه قرار داده است که از این حیث نیز دولت مکلف به جبران خسارات وارده است. نکته مهمی که وجود دارد این است که هرسال این اتفاق می‌افتد و ما با این حوادث مشابه مواجه هستیم و دولت از محل بودجه بیت‌المال اقدام به کمک‌های بلاعوض و وام‌ها و مساعدت‌هایی از این دست می‌کند، اما تدبیر حکم می‌کند همین پول را یکبار برای همیشه صرف هزینه‌های پیشگیرانه لازم در خصوص کانال‌کشی و هدایت آب و جلوگیری از بروز آفات و خطرات و بلایای طبیعی کرد که متاسفانه ما شاهد این تدبیر و مسئولیت‌شناسی نیستیم. موضوع قابل تامل دیگری که جای تاسف فراوان دارد، عدم پذیرش مسئولیت است؛ یعنی وقتی مدیران ارشد استانی با رسانه‌های گروهی به خصوص صداوسیما در این ارتباط گفت‌وگو می‌کنند، به هیچ‌عنوان مسئولیت ناشی از بی‌تدبیری و بی‌کفایتی را نمی‌پذیرند و در مقام توجیهات ناموجه و غیرمنطقی برمی‌آیند که این نه‌تنها دردی را دوا نمی‌کند، بلکه بر آلام مردم هم می‌افزاید و نشان می‌دهد اراده جدی برای جبران و جلوگیری از تکرار این مسائل وجود ندارد. نکته مهم دیگری که وجود دارد این است که با توجه به وظیفه و رسالت ذاتی و قانونی قوه قضائیه در پیگیری قضایی امر و مجازات مرتکبان و پیشگیری از وقوع تخلفات و جرائمی از این دست به‌نظر می‌رسد اگر یک بار برای همیشه با خاطیان و متخلفان و مجرمان قاطعانه و مطابق قانون برخورد شده و این موضوع هم اطلاع‌رسانی شود، شاهد تکرار این بی‌مسئولیتی‌ها نباشیم. خوشبختانه با دستور اخیر رئیس محترم قوه قضائیه به رئیس سازمان بازرسی کل کشور برای حضور شخصی و مستقیم و میدانی در محل و منطقه و ارائه گزارش، به‌نظر می‌رسد عزم قوه قضائیه برای پیگیری قضایی و برخورد جدی و قانونی با متخلفان جزم است و باید شاهد مجازات و پیگیری امر از سوی دستگاه قضایی باشیم.»